

درس آزاد

با هم بخوانیم

سال‌های سال است که شعر به یادماندنی «باز باران» بر زبان کوچک و بزرگ جاری است و با آن زندگی می‌کنیم. در زیر، گزیده‌ی نقد و شرحی را که دکتر غلامحسین یوسفی در کتاب چشمه‌ی روشن بر این شعر نگاشته است، با هم می‌خوانیم.

باران

گلچین گیلانی (مجدالدین میرفخرایی، ۱۳۵۱-۱۲۹۰) شاعر معاصر به صورت بارزی تحت تأثیر اقلیم و محیط زیست خویش، گیلان واقع شده است و این ویژگی به شعر او طراوت و حالت خاصی بخشیده که با شعر بسیاری از دیگر گویندگان فرق دارد.

شعر «باران» از معروف‌ترین آثار گلچین گیلانی است که به عنوان نمونه‌ای خوب از شعر نو شهرت پیدا کرد. موضوع شعر، در آغاز، وصف باران است و نوای ریزش قطرات آن بر بام خانه. می‌دانیم شعر جدید در صدد است بین وزن شعر با آهنگ طبیعی سخن و نیز با صورت ذهنی محتوای شعر هم‌آهنگی پدید آورد. به علاوه کمال مطلوب آن است که وزن و موسیقی شعر از کل اثر بترآود و احساس شود؛ یعنی فراتر از محدوده‌ی مصراع‌ها و بیت؛ به خصوص که شعر، مثل هر اثر هنری، به عنوان یک کلی مطرح است و وحدت و هم‌آهنگی وزن، صور خیال و همه‌ی اجزای آن از هر حیث، سبب حسن تأثیر بیش‌تر خواهد بود.

در شعر مورد نظر، چنان که اشاره شد، نخست بارش مستمر قطره‌های باران بر بام خانه تصویر می‌شود با آهنگی متناسب با صدای فرو افتادن آن‌ها — — / تک. ت تک تک، وزنی کوتاه و تند و چالاک و شاد، هم‌آهنگ با باریدن باران، چه در مصراع‌هایی که یک مجموعه از این نظم را در بردارد و چه در مصراع‌هایی که به اقتضای بیان معنی از دو مجموع یا سه مجموعه تشکیل می‌شود. روح شعر نیز به طور کلی همین سرزندگی و شادی را القا می‌کند: وصف باران است و جیک جیک و جست و خیز شادمانه‌ی گنجشکان که روی هم گردشی دلپذیر و کودکانه را به یاد می‌آورد از یک روز خوب و شیرین، از روزگار پیشین در جنگل‌های گیلان. آن‌گاه صفای معصومانه‌ی گردش کودکی ده‌ساله در جنگل تصویر می‌شود و حرکات چابکانه و لبریز از نشاط او و مناظر اطراف، آن چنان که وی آن‌ها را دیده و احساس کرده است و هرچه را در آن جا

می‌نگریسته دلکش و زیبا یافته است : خورشید درخشان، آسمان، ابر، باران و سرانجام زندگی. این روح شاد و آهنگ دل‌نواز و تصویرهای زیبا و دل‌انگیز و افکار خوش و ساده همه چنان درهم سرشته و هم‌گام شده‌اند که مجموع شعر جان ما را به طرب درمی‌آورد.

قافیه نیز جزئی مهم از موسیقی شعر است. این ویژگی بسیار فراتر از کارکرد موسیقایی قافیه بر اثر تکرار در پایان مصراع‌ها و ابیات است. بنابراین، حسن کاربرد نیروی قافیه در تأثیر شعر اثری فراوان تواند داشت.

در شعر «باران» چه قافیه‌ای مناسب‌تر از کلمه‌ی «باران» برای نخستین مصراع می‌تواند باشد؟ اما قافیه‌بندی مصراع‌های کوتاه و بلند در شعر مزبور تابع نظمی ثابت نیست. گاه به صورت: الف. ب. الف. ب، است و یا: الف. ب. ب. الف؛ الف. الف. الف. ب. ب؛ الف. الف. الف. الف. الف. به اقتضای پیوستگی معنی یا ارتباط تصویرها و عطف موضوعات به یک‌دیگر. از این‌رو قافیه‌ها بیش از تکرار اصواتی معین در جاهایی ثابت و معهود تنوع دارد و مؤثرتر نیز واقع شده است. بهتر است شعر گلچین را بخوانیم تا این نکات و ظرایف دیگر آن را بهتر دریابیم.

باران

باز باران،

با ترانه،

با گهرهای فراوان

می خورد بر بام خانه

*

من به پشت شیشه تنها

ایستاده

در گذرها

رودها راه او فتاده

*

شاد و خرم

یک دو سه گنجشک پرگو

باز هر دم

می پرند این سو و آن سو

*

می خورند بر شیشه و در

مشت و سیلی

آسمان امروز دیگر

نیست نیلی

*

یادم آرد روز باران

گردش یک روز دیرین

خوب و شیرین

توی جنگل های گیلان:

*

کودکی ده ساله بودم

شاد و خرم،
نرم و نازک
چست و چابک

*

از پرنده،
از چرنده،
از خزنده،
بود جنگل گرم و زنده

*

آسمان آبی چو دریا
یک دو ابر این جا و آن جا
چون دل من،
روز روشن

*

بوی جنگل تازه و تر
هم چو می مستی دهنده
بر درختان می زدی پر
هر کجا زیبا پرنده

*

برکه‌ها آرام و آبی
برگ و گل هر جا نمایان
چتر نیلوفر درخشان
آفتابی

*

سنگ‌ها از آب جسته،
از خزه پوشیده تن را
بس وزغ آن جا نشسته
دم به دم در شور و غوغا

*

رودخانه،
با دو صد زیباترانه
زیر پاهای درخت
چرخ می‌زد، چرخ می‌زد هم‌چو مستان
*

چشمه‌ها چون شیشه‌های آفتابی
نرم و خوش در جوش و لرزه
توی آن‌ها سنگ‌ریزه
سرخ و سبز و زرد و آبی
*

با دو پای کودکانه
می‌دویدم هم‌چو آهو،
می‌پریدم از سرجو
دور می‌گشتم زخانه
*

می‌پراندم سنگ‌ریزه
تا دهد بر آب لرزه
بهر چاه و بهر چاله
می‌شکستم کرده خاله'
*

می‌کشانیدم به پایین
شاخه‌های بیدمشکی
دست من می‌گشت رنگین
از تمشک سرخ و مشکی
*

۱. کرده خاله: نی یا چوبی است که سطل را بر آن می‌نهند و از چاه‌ها آب می‌کشند و مخصوص مردم گیلان و مازندران غربی است. در جاهای گوناگون آن را، در کرده خاله، دولاخند، دوکیتی، دوخاله، آبکش و امثال آن گویند. (مهدی آستانه‌ای، آینده، ۱۰/۶۲۸).

می شنیدم از پرنده
داستان‌های نهانی
از لب باد وزنده
رازهای زندگانی

*

هرچه می دیدم در آن جا
بود دلکش، بود زیبا
شاد بودم،
می سرودم

*

«روز! ای روز دل‌آرا!
داده‌ات خورشید رخشان
این چنین رخسار زیبا
ورنه بودی زشت و بی‌جان!»

*

«این درختان
با همه سبزی و خوبی،
گو، چه می‌بودند جز پاهای چوبی
گر نبودی مهر رخشان؟»

*

«روز! ای روز دل‌آرا!
گر دل‌آرایی است، از خورشید باشد
ای درخت سبز و زیبا!
هرچه زیبایی است، از خورشید باشد»

*

اندک‌اندک، رفته رفته، ابرها گشتند چیره
آسمان گردیده تیره
بسته رخساره‌ی خورشید رخشان

ریخت باران، ریخت باران

*

جنگل از باد گریزان
چرخ می زد همچو دریا
دانه های گرد باران
بهن می گشتند هر جا

*

برق چون شمشیر بران
پاره می کرد ابرها را
تندر دیوانه غران
مشت می زد ابرها را

*

روی برکه مرغ آبی
از میانه، از کناره،
باشتابی،
چرخ می زد بی شماره

*

گیسوی سیمین مه را
شانه می زد دست باران
بادها با فوت خوانا
می نمودنش پریشان

*

سبزه در زیر درختان
رفته رفته گشت دریا
توی این دریای جوشان
جنگل وارونه پیدا

*

بس دل آرام بود جنگل!

به! چه زیبا بود جنگل!

بس ترانه، بس فسانه،

بس فسانه، بس ترانه

*

بس گوارا بود باران!

به! چه زیبا بود باران!

می شنیدم اندر این گوهر فشرانی

رازهای جاودانی، پندهای آسمانی :

*

«بشنو از من، کودک من،

پیش چشم مرد فردا

زندگانی، خواه تیره، خواه روشن،

هست زیبا! هست زیبا! هست زیبا!»^۱

ژوئیه ۱۹۴۰، لندن

۱. آقای مهدی اخوان ثالث در تحقیق راجع به «بحر طویل فارسی» این شعر را از لحاظ صورت و قالب در زمره‌ی «بحر طویل» می‌دانند و نوشتن آن را به صورت «بحر طویل» مناسب‌تر می‌انگارند.

شعر، آغازی گویا و متناسب و جالب توجه دارد. شروع با کلمه‌ی اصلی «باران» است و نمایش نوای مداوم آن بر بام خانه که چون ترانه‌ای دلپذیر به گوش می‌رسد. کوتاهی مصراع‌ها و هجاهای آن آهنگ ریزش باران را منعکس می‌کند. بند دوم در نهایت ایجاز، جایگاه و حالت گوینده و نیز گذرگاه‌های پرباران را به وصف در می‌آورد. سپس منظره‌ای است دورتر: توصیف زیبا و طبیعی گنجشکان که با تعبیر جیک جیک بیابی آنان به پرگویی، شخصیت نیز یافته‌اند. مصراع‌های «باز هر دم / می‌پرند این سو و آن سو» زنده و پویاست. باران که شدت پیدا می‌کند، گویی مشت و سیلی بر شیشه و در خانه می‌نوازند. دیگر صدای ترانه نیست، چنان‌که آسمان نیز آبی نمی‌ماند و سیاه و توفنده می‌شود (بند ۴). مجموع این مناظر انگیزه‌ی تداعی معانی و یادآور گردشی است در روزهای خوب و شیرین کودکی در جنگل‌های گیلان، خاطره‌ای دل‌نواز برای شاعر که سال‌های دراز دور از وطن در لندن می‌زیست. وصف او از ده سالگی خویش، در سه مصراع بسیار کوتاه و فشرده، جمعاً در شش کلمه (بند ۶)، حاکی از حالت روحی و جسمانی و چالاک‌ی کودکی و نمودار قدرت تعبیر شاعر با کلماتی ساده و همگانی است. چنان‌که وقتی نیز به وصف جنگل می‌پردازد، همین توانایی بروز می‌کند (بند ۷): لحن این بند و نحو آن بسیار طبیعی و منطبق با فطرت زبان و اقتضای مقام است و رعایت قافیه در هر چهار مصراع متناسب با برشمردن موجودات جنگل است که با وصف ساده و زیبای «گرم و زنده» برای جنگل، تکمیل می‌شود. آن‌گاه دو بعد کرانی منظره تصویر می‌گردد: آسمان و دریا و انعکاس آن دو در یک‌دیگر (بند ۸). آسمان، با درنگی، که پس از تلفظ آن ناگزیر پیش می‌آید، از لحاظ آهنگ برجسته و مشخص می‌شود.^۱ دو مصراع اول این بند مانند طرح است از یک نقاشی در چند خط ساده، اما روشن و گویا. مصراع‌های سوم و چهارم حاکی از هم‌دلی با طبیعت است، باز در کمال ایجاز.

«بوی تازه و تر» جنگل گونه‌گون و رنگارنگ است. تنوع منظره‌نگاری آن، که از بند هفتم شروع شده بود، باز هم ادامه می‌یابد (تا بند ۱۳)، از آن جمله است: برکه‌های آرام و آبی و پوشیده از برگ و گل که نیلوفر چتری درخشان بر آن‌ها گشوده. «آفتابی»، در بند ۱۰، مصراع‌ی است کوتاه (در یک کلمه) و رسا و بجا و مؤکد و نیز مؤید نیروی تأثیر این گونه مصراع بندی. بند بعد (۱۱) منظره‌ای دیگر است: طبیعی، واقعی و نمودار دقت نظر شاعر که به وصف زیبایی‌های معهود اکتفا نمی‌کند و تابلویی تمام و کامل می‌پردازد؛ نظیر شاعران سبک خراسانی. وقتی رودخانه را تصویر می‌کند که با ترانه‌های زیبا «چرخ می‌زد، همچو مستان» وصفی می‌پردازد بسیار زیبا و پویا که هم معنی «چرخ‌زدن» و هم تکرار آن کلمه، حرکت مستانه‌ی رودخانه‌ی ترانه‌خوان را هرچه زنده‌تر منعکس می‌کند. چندین قرن پیش نیز سلمان

۱. نظیر «بومی جنگل، برکه‌ها، سنگ‌ها، رودخانه، چشمه‌ها» در بندهای ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳

ساوچی پیچ و تاب آب دجله را به «رفتار مستانه» تعبیر کرده بود.^۱ گویی رودخانه «زیر پای درختان» — که شخصیت یافته‌اند — در تموج و هیجان است و برای آن‌ها ترانه‌ها می‌سراید. چشمه سارها نیز به همان صورت که در ذهن کودک جلوه می‌کرده، در اوصافی زیبا و تازه، نقش شده است: روشنی و زدودگی آب، لرزش امواج آن و سنگ‌ریزه‌های رنگارنگ.

بندهای ۱۴ تا ۱۶ نمودار حرکات شاد و سرخوش کودکان است، با آهنگی تند و پرنشاط و شتابنده متناسب با حال و هوای کودکی؛ حتی ذکر «کرده خاله» آب و رنگی بومی به شعر می‌دهد. زیبایی و سرزندگی و شادابی طبیعت روح کودک را سرشار از شادی دارد، از پرند «لب باد وزنده» راز زندگانی و شادمانه‌ای می‌شنود (بند ۱۷ — ۱۸) و در هوای ابر آلود گیلان — که تابش آفتاب نعمتی پر درخشش است — با بیانی کودکانه به ستایش خورشید می‌پردازد (بند ۱۹ — ۲۰) که اگر انوار پر برکت او نمی‌تافت، درخت‌های سرسبز امروز چیزی «جز پاهای چوبی» نبودند. ترانه‌های عامیانه برای خورشید در خطه‌ی گیلان فراوان است.

دگرگونی هوای گیلان و ریزش باران در بندهای ۲۲ تا ۲۷ منعکس است. باد گریزان، چرخ‌زدن جنگل چون دریا، درخشش شمشیر مانند برق و غرش تندر، چرخش مرغابی‌ها روی برکه‌ها، پریشانی گیسوی مه بر اثر وزش باد، و از همه بدیع‌تر، تصویر جنگل وارونه در دریای سبزه‌ها همه درهم پیچیده و حالت جوی را با تصویر و آهنگ شعر فرا نموده است.

جنگل و دریا و باران پر طراوت و «زیبا و گوارا»، در نظر کودک گیلانی پرورده‌ی آن اقلیم زیبایی و دل‌آرایی خاص دارد؛ چون ترانه‌های دل‌انگیز و افسانه‌های خیال‌پرور (بند ۲۸)، چندان که در خلال گوه‌رفشانی باران و زمزمه‌های او «رازهای جاودانی و پندهای آسمانی» می‌شنود که «پیش مرد فردا / زندگانی خواه تیره، خواه روشن / هست زیبا! هست زیبا! هست زیبا!»

این تأکید آهنگین، که متناسب با آموختن نکته‌ای چنین ژرف و پرمغز است، چندان در زمزمه‌ی مداوم باران جنگل‌های گیلان تکرار شده است که سال‌ها پس از آن روزگاران در ذهن شاعر تر و تازه مانده و اینک ترانه‌ی باران بر بام خانه‌ی او در انگلستان نیز همان نغمه را فریاد می‌آورد. تصویرهای بصری، که به نظر الیوت مؤثرترین و روشن‌ترین تصویرهاست، شعر «باران»، این اثر بدیع و زیبا را از یک واقع‌گرایی رئالیسم شاعرانه سرشار دارد. نازکی خیال، لطافت احساس، صفای کودکانه، بیان ساده و طبیعی آن و تازگی و سرزندگی، که بر همه‌ی سیمای شعر مشهود است، آن را در ادبیات فارسی معاصر مشخص کرده است.

۱. دجله را امسال رفتاری عجب مستانه است.

عنوان درس: داستان‌ها	درس: بیستم
	<p>۱. آشنایی با انواع داستان.</p> <p>۲. آشنایی با زمینه‌ها و دلایل ساخته شدن انواع داستان.</p> <p>۳. آشنایی با داستان‌ها بنا به کهن‌ترین منابع تاریخی.</p> <p>۴. آشنایی با نکات زبانی (ترکیب‌سازی با پسوند «ان»، چندین پسوند با اسم، آموزش خلاصه‌نویسی).</p> <p>۵. توانایی انجام فعالیت‌های مربوط به مهارت‌های زبانی درس.</p>

شاعر	شعر	نمایش	بازی	نکته	کلید واژه‌ها
-	-	اجرای یکی از داستان‌ها به صورت نمایش در کلاس	-	آموزش خلاصه‌نویسی	<p>اخبار - طوطیان - آغاز - قرن - نقل - افزوده - عادت - عقیده‌ها - پیشینیان - منابع - کی کاوس - عقاب - تهی‌دست - زورگو - بیکاری - مزدی ناچیز - می‌پروراندند - پدیده‌های طبیعی - مثلاً - خاور - باختر - رعد و برق - عالی - خیال - انواع - معروف‌ترین - مرغزاری - وحوش - شغال - حکایت - گول - واقعی</p>

فعالیت‌های کتاب بنویسیم	فعالیت‌های کتاب بخوانیم
<p>- آموزش املا.</p> <p>- تکمیل جاهای خالی.</p> <p>- تقویت مهارت ساخت جملات مترادف.</p> <p>- تقویت ساخت تشبیه.</p> <p>- حل جدول.</p> <p>- تصویر خوانی.</p> <p>- بند نویسی.</p>	<p>واژه‌آموزی: ترکیب‌سازی با پسوند «ان».</p> <p>ترکیب‌سازی با چندین پسوند و یک اسم.</p> <p>نکته‌ها: آموزش تلخیص (خلاصه نویسی).</p> <p>گفت و شنود:</p> <p>بحث و گفت‌وگو درباره‌ی افسانه‌های محل زندگی.</p> <p>فعالیت‌های ویژه:</p> <p>آشنایی با نام قهرمانان داستان (حیوانات)</p> <p>اجرای نمایش داستان‌هایی را که خوانده‌اند.</p>

الف) بخوانیم

متن درس

در این درس، به بررسی انواع داستان و دلایل پیدایش آن توجه شده است، برای آشنایی بیشتر، بخش‌هایی از کتاب ادبیات داستانی جمال میرصادقی را می‌خوانیم:

ادبیات داستانی بر آثار منثوری دلالت دارد که از ماهیت تخیلی برخوردار باشد. غالباً به قصه، داستان کوتاه، داستان و رمان و انواع وابسته به آن‌ها اطلاق می‌شود.

انواع ادبیات داستانی در گذشته‌ی ادبی ما وجود داشته که در این فصل به بخشی از آن‌ها اشاره می‌شود. پس از مشروطه نیز نویسندگان ایرانی به داستان نویسی نوین روی آوردند.

داستان، توالی حوادث واقعی و تاریخی یا ساختگی است؛ بنابراین تسخیر عمل به وسیله‌ی تخیل را ارائه می‌دهد. خصلت بارز داستان این است که بتواند ما را وادار کند که بخوایم بدانیم بعد چه اتفاقی می‌افتد. از این رو داستان کیفیت عامی است که بنیاد هر اثر خلاقه را می‌ریزد و تقریباً هم‌معنا و مترادف ادبیات است.

۱. قصه: آن نوع ادبی خلاقه است که از دیرباز رایج بوده و بیشتر جنبه‌ی غیرواقعی دارد. قصه‌ها به تدریج با ما بزرگ شده‌اند و به تناسب ذهنی ما، پیچیدگی و گسترش و غنای بیشتری یافته‌اند. قصه تاریخچه‌ای بسیار قدیمی دارد. شاید بتوان گفت مصری‌ها اولین ملتی هستند که قصه را به ادبیات جهان هدیه کردند. پس از آن ادبیات آشوری، هندی و یونانی معروف است. در ایران قصه‌های منثور و منظومی وجود داشته که بیشتر جنبه‌ی اساطیری و دینی دارد؛ مثل هزار افسان. از قصه‌های ایرانی در گذشته به سمک عیار، داراب نامه، حسین کرد شبستری و اسکندرنامه می‌توان اشاره کرد.

قصه‌ها دارای ویژگی‌هایی چون خرق عادت، پیرنگ ضعیف، مطلق‌گرایی، کلی‌گرایی، ایستایی، فرضی بودن زمان و مکان، همسانی قهرمانان در سخن گفتن، اعتقاد به سرنوشت، شگفت‌آوری، استقلال حوادث و کهنگی هستند.

قصه انواعی دارد: افسانه‌ی تمثیلی: کلیله و دمنه، مرزبان‌نامه.

حکایت اخلاقی: گلستان، جوامع‌الحکایات، قابوس‌نامه.

افسانه‌ی پریان: هزار و یک شب.

افسانه‌ی پهلوانان: اسکندرنامه، سمک عیار، ابومسلم‌نامه.

اسطوره: اسطوره‌ی باران، آناهیتا و...

موضوع قصه‌ها نیز متفاوت است؛ چون شرح فنون کشورداری، شرح احوال و کرامات عرفا و بزرگان دینی و مذهبی، مفاهیم عرفانی و فلسفی و دینی، تاریخی و واقعی و فلسفی، تعلیم و تربیت و...

۲. داستان کوتاه: (نوول) در اروپا تا آخر قرون وسطی نوول به قصه‌ها و حکایت‌های کوتاهی گفته می‌شد که بیشتر جنبه‌ی شوخی و مطایبه داشت. داستان کوتاه به شکل و الگوی امروزی در قرن نوزدهم ظهور کرد. اولین بار ادگار آلن پو در سال ۱۸۴۲ اصول انتقادی و فنی خاصی را ارائه داد و بواندرماتیوز (۱۸۵۲-۱۹۲۹) اصطلاح داستان کوتاه را پیشنهاد کرد. آلن پو و گوگول پدران داستان کوتاه به مفهوم امروزی آن هستند. جز این دو از نوآوران داستان کوتاه می‌توان به گی دومو پاسان، چخوف، جیمز جویس، کافکا، اهنری و همینگوی اشاره کرد.

داستان کوتاه معمولاً دارای یک واقعه‌ی مرکزی یا واقعه‌ی ضمنی است که حوادث و وقایع دیگر برای تکمیل و مستدل جلوه دادن آن واقعه آورده می‌شود. داستان کوتاه را معمولاً در ظرف نیم‌ساعت می‌توان خواند. داستان کوتاه برشی از یک زندگی است. از نمونه‌های ایرانی داستان کوتاه می‌توان به داش آکل هدایت، گیله مرد بزرگ علوی و گلدسته‌ها و فلک جلال آل احمد اشاره کرد.

در مقابل داستان کوتاه، داستان بلند یا رمان کوتاه وجود دارد. در واقع داستان بلند وصلتی است میان داستان کوتاه و رمان که در آن ویژگی‌های داستان کوتاه با خصلت‌های رمان درهم می‌آمیزد. در داستان بلند نویسنده می‌کوشد داستان کوتاه را از فشردگی و اختصار ذاتی خود بیرون آورد و از امکانات رمان در زمینه‌ی گسترش شخصیت‌ها و درون‌مایه و موضوع نیز بهره بگیرد. مدیر مدرسه‌ی آل احمد، بوف کور هدایت، شازده احتجاب گلشیری از نمونه‌های داستان بلند فارسی است.

۳. رمان: مهم‌ترین و معروف‌ترین شکل تبلور یافته‌ی ادبی روزگار ماست که با «دُن کیشوت» اثر سروانتس اسپانیایی (۱۵۴۷-۱۶۱۶) تولد یافت.

رمان روایت منثور داستانی است که نشان دهنده‌ی تصویر زندگی واقعی، مخصوصاً تصویر بحران‌های عاطفی در پهنه‌ی زندگی مردان و زنان است.

رمان‌ها انواعی دارند چون پیکارسک (شرح زندگی مردم تهی‌دست) گوتیک (رمان آمیخته به سحر و جادو) تاریخی، رسالتی (که در آن از مسائل سیاسی، اقتصادی، مذهبی و... سخن می‌رود) روان‌شناختی، جریان سیال ذهن، خیالی و وهمی (مثل رمان‌های علمی، نمادین) و...

از رمان‌های معروف غیر ایرانی به جنگ و صلح، بینوایان، غرور و تعصب، سرخ و سیاه، ژان کریستف و از رمان‌های ایرانی به کلیدر، سووشون، چشم‌هایش، شوهر آهو خانم و... می‌توان اشاره کرد.

درک و دریافت

می‌توان سؤال‌ها را در جمع به‌طور مستقیم پرسید یا دانش‌آموزان را به گروه‌های چهار یا پنج نفری تقسیم کرد تا یکی از اعضای گروه، سؤال را بخواند و با کمک سایر اعضا، پاسخ را پیدا کنند، درباره‌ی آن با هم به گفت‌وگو بپردازند در پایان، یک نفر پاسخ را بخواند.

پاسخ‌های پیشنهادی:

۱. قهرنامان داستان انواع گوناگونی دارد مانند:
 - قهرمان برخی داستان‌ها جانوران هستند؛ مانند کلبله و دمنه.
 - قهرمان برخی داستان‌ها موجودات خیالی هستند؛ مانند کتاب هزار و یک شب
 - قهرمان برخی داستان نیز موجودات بی‌جان‌اند.
 - برخی داستان‌ها، سرگذشت واقعی زندگی انسان‌هاست.
۲. داستان‌ها، از اندیشه‌ها، عادت‌ها، خیال‌بافی‌ها، آرزوها و عقیده‌های پیشینیان با ما سخن می‌گویند.
۳. دستوره‌های زندگی، مسائل اخلاقی و نکته‌های سودمند دیگر موضوع کتاب کلبله و دمنه است.

واژه‌آموزی

الف) در این تمرین دانش‌آموزان با چگونگی جمع بستن اسم آشنا می‌شوند. به واژه‌هایی که به «الف» یا «واو» ختم شده باشد، هنگام جمع بستن با «ان» بین کلمه و «ان» حرف «ی» می‌افزایند. مانند: آشنایان — گدایان — زورگویان — دانایان — خوش‌خویان — جنگ‌جویان در برخی از کلماتی که به «واو» پایان می‌یابد، «ی» افزوده نمی‌شود؛ مانند: هندوان — گیسوان — بازوان — ابروان... هنگام جمع بستن اسم‌ها و صفت‌هایی که به «های» بیان حرکت ختم شده‌اند، به آخر آن‌ها «گان» افزوده می‌شود. مانند:

دلدادده + ان ← دلدادگان

آزاده + ان ← آزادگان

فرزانه + ان — فرزانگان

سواره + ان — سوارگان

ب) دانش‌آموزان در این تمرین، با اسم‌های غیر ساده آشنا می‌شوند. بنابراین، می‌توان از آن‌ها خواست که در گروه‌های خود این کلمات را بسازند و در مورد معنی آن‌ها صحبت کنند یا آن را در جمله‌ای به کار برند یا کلمات غیر ساده‌ی دیگری مثال بزنند که با وندهای گوناگون ساخته می‌شوند. هر گروه که توانست کلمه‌ای یا پسوند و پیشوند بیشتر پیدا کند، برنده محسوب می‌گردد. سپس کلمات در حضور همه‌ی گروه‌ها خوانده شود.

برای انجام دادن این تمرین می‌توان از فرهنگ فارسی نیز استفاده کرد که هم آشنایی با کار و کاربرد فرهنگ است و هم به گسترش حوزه‌ی واژگان کودکان می‌انجامد.

نکته‌ها

آموزش مهارت تلخیص در این نکته صورت پذیرفته است. ممکن است از خود بپرسید: چرا تلخیص می‌کنیم؟ خلاصه‌نویسی چه فایده‌ای دارد؟ چگونه خلاصه‌برداری کنیم؟ یکی از راه‌های تمرین نگارش، خلاصه‌برداری و خلاصه‌نویسی است. خلاصه‌نویسی فواید و کاربردها و نتایج فراوانی دارد. مقدمه‌ی خلاصه‌برداری، مطالعه‌ای است که خود زمینه‌ی اصلی نوشتن محسوب می‌گردد. خلاصه‌نویسی دقت و توجه و تمرکز فرد را برای درک سریع مفاهیم تقویت می‌کند و به شیوه‌ای صحیح، ما را در فراگیری مؤثر یاری می‌دهد. به‌علاوه، می‌توانیم نتیجه‌ی مطالعات خود را در حجمی اندک حفظ کنیم و در هنگام ضرورت، با مرور کردن متن خلاصه شده، آن‌چه را خوانده‌ایم به یاد آوریم. در تلخیص باید متن را به میزانی معلوم خلاصه کنیم. نکته‌ی دیگر این که قبل از خلاصه‌برداری باید میزان تلخیص را مشخص کنیم. هرچه میزان تلخیص بیشتر باشد، دقت بیشتری می‌طلبد.

خلاصه کردن مخصوص کتاب نیست و مصاحبه، فیلم‌سینمایی، مباحث رادیویی، موضوعات درسی و... را نیز شامل می‌شود. همچنان که در کتاب اشاره کردیم، هنگام خلاصه‌برداری باید به این نکات توجه شود:

۱. کتاب یا متنی را که می‌خواهید خلاصه کنید، به دقت بخوانید تا از اهداف و مفاهیم کتاب آگاه شوید.

۲. خطوط اصلی و مهم کتاب را مشخص کنید یا از آن‌ها یادداشت بردارید.

۳. نکته‌های زاید و فرعی (آن‌هایی را که جنبه‌ی حاشیه‌ای و اطلاعاتی دارند) حذف کنید.

۴. میزان تلخیص مطلب را با توجه به محتوا و حجم آن معلوم کنید.

۵. هنگام تلخیص، ضمن رعایت اصول نگارش و حفظ بافت زبانی متن موردنظر، لازم نیست صد درصد از سبک نویسنده پیروی کنید.

۶. به متن اصلی توجه داشته باشید و در آن تصرف نایجا نکنید.

۷. پس از یادداشت برداری، نوشته را از نظر یک دست بودن نگارش و تنظیم منطقی مطالب بررسی کنید.

۸. در پایان خلاصه‌نویسی، می‌توانید بخشی را به نقد و داوری خود اختصاص دهید.

در پایان، به منظور تمرین هرچه بیشتر مهارت تلخیص، به همکاران توصیه می‌شود متنی داستانی را از قبل آماده و به تعداد دانش‌آموزان تکثیر کنند. سپس با در اختیار قرار دادن آن متن، از دانش‌آموزان بخواهند با توجه به اصولی که آموخته‌اند؛ به تلخیص آن بپردازند (این کار را می‌توان گروهی و فردی انجام داد).

گفت و شنود

در این تمرین، دانش‌آموزان می‌توانند ابتدا به صورت فردی درباره‌ی سؤالات فکر کنند و نظرات خود را با اعضای گروه در میان بگذارند. سپس بهترین پاسخ گروه خود را برای کلاس بازگو کنند.

فعالیت ویژه

در مورد سؤال اول پیشنهاد می‌شود نوع کتابی را که خوانده‌اید، تعیین کنید اگر این کتاب داستانی بود، مشخص کنید که قهرمانان آن، موجودات خیالی، انسان، جانوران یا... هستند. در مورد موضوع دوم فعالیت پیشنهاد می‌شود دانش‌آموزان را به چند گروه تقسیم کنید. اعضای گروه با مشورت و هم‌فکری، باید در مورد یک کتاب داستانی که خوانده‌اند، نمایش بدهند. دانش‌آموزان باید با حرکات نمایشی و گفت‌وگو، حوادث و شخصیت‌های داستان را به گونه‌ای مجسم کنند تا هم داستان اجرا شود و هم در بیننده تأثیر لازم را بگذارد. از آن‌ها بخواهید تا در هنگام ضرورت، تغییر صدا و تغییر لحن بدهند تا نمایش شیرین‌تر شود. برای چگونگی لباس یا آرایش صحنه، چهره‌آرایی (گریم)، موسیقی صحنه و دیگر عناصر نمایش از فکر و ابتکار دانش‌آموزان بهره بگیرید. از تماشاگران بخواهید احساس خود را درباره‌ی نمایش بیان کنند.

ب) بنویسیم

۱. در این تمرین، بازخوانی درس به منظور تقویت مهارت خواندن، نوشتن و تقویت املا مورد نظر است و تشخیص جملات مهم درس، که به امر تلخیص متن‌ها کمک می‌کند، در این تمرین نهفته است. پاسخ‌ها در این نمونه، به طور شخصی ارائه می‌گردد.

۲. در این تمرین، به تقویت مهارت خواندن و نوشتن و گسترش حوزه‌ی واژگان دانش‌آموز توجه شده است. پاسخ‌ها عبارت‌اند از :

تهی دست
وحوش
پیروزی
کهن

۳. پاسخ شخصی است.

۴. الف) شرم + گین — شرمگین
خشم + گین — خشمگین
اندوه + گین — اندوهگین
سوز + ناک — سوزناک

ب) سخن‌گویان، بینایان، دیدگان، ستارگان

۵. این تمرین ارتباط بین دروس را برقرار و روحیه‌ی جست‌وجو و مشاهده‌ی دقیق دانش‌آموز را تقویت می‌کند.

۶. این تمرین به تمیز کلمه‌های مترادف به وسیله‌ی دانش‌آموز کمک می‌کند، پاسخ‌ها عبارت است از :

— بر اثر وزش باد، پاهایم منقبض شده است.

— علی خیلی ناراحت بود.

— خورشید تیره شده است.

— سرفاطمه به زمین اصابت کرد.

۷. پاسخ‌های پیشنهادی عبارت‌اند از :

— باران می‌بارد مثل اشک، مثل مروارید، مثل رحمت خدا،

— کودک می‌خندد، مثل غنچه‌ی گل، مثل آواز قناری، مثل باز شدن صدف،

— تشبیهات پیشنهادی دیگر که دانش‌آموزان ارائه می‌دهند، در صورت معنادار بودن قابل قبول

است.

۸. پاسخ جدول :

۱. سلیمان

۲. ضعیف

۳. اجداد

۴. پرستو

۵. بیگاری

۶. خیالی

۷. شهرزاد

۸. جن

۹. هدف از این تمرین تقویت نگارش خلاق و بندنویسی و مهارت در تصویرخوانی است.

مثل باران

کاش می شد مثل باران می شدیم
مهربان و تازه و بی ادعا
نرم با آوازه‌های شاد خود
رقص می کردیم روی سبزه‌ها
کوچه‌ها و بام‌ها پر می شدند
از صدای پای کوبی‌هایمان
سبز می روید در هر باغچه
از طراوت‌های جای پای مان
پنجره‌های غبارآلود را
بوسه می دادیم و می شستیم زود
از صدای شرشر آوازمان
ناودان‌ها کاشکی لبریز بود
کاش می شد کینه‌ای در ما نبود
با نشاط و پاک و خندان می شدیم
مهربان و تازه و بی ادعا
کاش می شد مثل باران می شدیم.

ملا محمدی

درس: بیست و یکم

عنوان درس: ناشنوا و بیمار

اهداف درس

۱. آشنایی با مولوی و آثار او (آشنایی با متون کهن).
۲. آشنایی با وظیفه‌ی همسایه نسبت به همسایه.
۳. آشنایی با نظامی گنجوی.
۴. آشنایی با نکات زبانی (آموزش کنایه، معنی کلمه در جمله‌های مختلف، تخفیف، کاربرد سه نقطه به جای بقیه‌ی جمله).
۵. توانایی انجام فعالیت‌های مربوط به مهارت‌های زبانی درس.

شاعر	شعر	نمایش	بازی	نکته	کلید واژه‌ها
محمود کیانوش	از خاک تا خورشید	اجرای داستان درس به صورت نمایش	-	تخفیف، کاربرد سه نقطه به جای بقیه جمله	معاشرت - همسایه‌اش - عیادت - وظیفه - سؤال - ربطی - عصبانی - حیاط - چه طور - ان شاء الله - حتماً - لطف - وضع - طبیب - توصیه - ماهری - قدمش - مطمئن - متأسفانه - ضعیف - تعجب - عوضی - عزرائیل - راضی - خداحافظی - عصبانیت

فعالیت‌های کتاب بنویسیم	فعالیت‌های کتاب بخوانیم
<ul style="list-style-type: none"> - تقویت مهارت خلاصه‌نویسی. - شناخت مترادف‌ها. - برقراری ارتباط بین تصویر و ضرب‌المثل. - جمله‌نویسی. - تصویرخوانی. - کاربرد شکل کامل کلمه‌های مخفف در جمله. - یادآوری نام نویسندگان. - برگردان نظم به نثر. 	<p>واژه‌آموزی: کنایه، کاربرد «سنگین» در جمله‌های گوناگون با معانی متفاوت.</p> <p>نکته‌ها: تخفیف، کاربرد سه نقطه به جای بقیه جمله در صورت نیاز.</p> <p>گفت‌وشنود:</p> <p>بحث و گفت‌وگو درباره‌ی آداب عیادت از بیمار.</p> <p>فعالیت‌های ویژه:</p> <p>اجرای نمایش داستان درس</p> <p>خواندن نمونه داستان‌هایی از مثنوی در کلاس</p>

الف) بخوانیم

متن درس

در این درس، به معرفی یکی از آثار کهن و گران قدر ادبی ایران پرداخته‌ایم. تنها نکته‌ی نهفته‌ی این درس، دلیل رفتار فرد ناشنواست که به سبب ترس از استهزای مردم، مشکل جسمانی خود را، که همان ناشنوایی است، از مردم پنهان می‌کند او با حضور در جامعه، بسیار بدتر از اصل قضیه خود را معرفی می‌کند؛ زیرا اگر مردم از عیب جسمانی او آگاه بودند، قطعاً بر او خرده نمی‌گرفتند. درحالی که با رفتار مورد اشاره در درس، قضاوت هر شاهدی این خواهد بود که او به قصد آزار بیمار به عیادت او رفته است.

مثنوی مولوی انباشته از داستان‌های عبرت‌آموز است. با آن که زبان اصلی این کتاب برای نوجوانان قابل فهم نیست، نویسندگان بی‌شماری داستان‌های آن را به زبان ساده برگردانده و برای نوجوانان قابل استفاده کرده‌اند.

باید گفت که ادبیات را به دو بخش ادبیات کلاسیک (سنتی) و ادبیات جدید تقسیم می‌کنند. منظور از ادبیات جدید، آثاری مانند رمان، داستان کوتاه، شعر، ترجمه و... است که در صد سال اخیر پدید آمده است. به آن بخش از ادبیات، که متعلق به قبل از این تاریخ (صد سال) اخیر است، ادبیات سنتی و کلاسیک می‌گویند که گاهی از آن به ادبیات کهن نیز یاد می‌کنند. البته ادبیات کهن بیشتر به ادبیاتی گفته می‌شود که مربوط به دوران اول و دوم ادبیات فارسی یعنی تا حدود قرن دهم است. آثار شاعران و نویسندگانی چون رودکی، سنایی، عطار، سعدی، مولانا، حافظ، بیهقی جزو ادبیات کهن است.

شما همکاران محترم می‌توانید دانش‌آموزان را به کتاب‌خانه ببرید و آثار مولوی را در اختیار آن‌ها قرار دهید و درباره‌ی آن با گروه‌های دانش‌آموزان بحث و گفت‌وگو کنید. به این ترتیب، ضمن آشنایی با میراث فرهنگی، دانش‌آموزان را با بزرگان ادب نیز آشنا می‌کنید و به مطالعه‌ی آثار این بزرگان علاقه‌مند می‌سازید.

مختصری از شرح حال مولوی: مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، معروف به مولوی (۶۰۴-۶۷۲ هـ. ق) شاعر، عارف و متفکر قرن هفتم است. در بلخ به دنیا آمد و در کودکی و چند سال قبل از حمله‌ی مغول همراه پدرش زادگاه خود را ترک کرد و در قونیه (ترکیه‌ی امروزی) اقامت گزید. ملاقات مولوی و شمس تبریزی در سال ۶۲۲ اتفاق افتاد. این ملاقات زندگی او را دگرگون کرد؛ به حدی که مولوی مسند تدریس را رها کرد و خود را وقف تجارب روحانی و عرفانی ساخت. آثار

مولانا از حیث وسعت و تنوع قابل ملاحظه است. آثار منشور او شامل مجالس سبعه، مکتوبات، فیه مافیه و آثار منظوم او دیوان شمس و مثنوی است.

درک و دریافت

۱. چون عیادت از همسایه‌ی بیمار را وظیفه‌ی خود می‌دانست.
۲. چون از شکل جسمانی خود خبر داشت و نگران بود که دیگران هم به ناشنوایی او پی ببرند.
۳. احساس رضایت می‌کرد.

واژه‌آموزی

موضوع واژه‌آموزی این درس کنایه است. کنایه چیست؟ وقتی می‌گوییم «شانه به شانه» مقصود معنی ظاهری آن نیست، بلکه نشانه‌ی همراهی کردن است. کنایه یکی از ابزارهای تشخیص دادن و برجسته کردن زبان است که با آن می‌توانیم بر تأثیر کلام خود بیفزاییم. هرچه کنایات یک موضوع بیشتر باشد، قدرت و توان بیشتری در نوشته خواهیم داشت. زبان فارسی به سبب دارا بودن مفاهیم کنایی وسیع، توانایی و قدرت فراوانی دارد. در این زبان هیچ کلمه‌ای را نمی‌یابیم که دو معنی ظاهری و کنایی نداشته باشد.

در استفاده از کنایه، نباید راه افراط پیمود. بهتر است از کنایاتی استفاده کنیم که عموم مردم مفهوم آن‌ها را درک می‌کنند.

الف) با توجه به این که فقط جمله‌سازی از دانش‌آموز خواسته شده است، هر جمله‌ای که معنی‌دار باشد قابل قبول است.

پابه‌پا: مردد بودن، تأخیر کردن، درنگ کردن

ب) سایه‌اش خیلی سنگین است: کمتر در جمع دیده می‌شود.

با دنده‌ی سنگین حرکت کنید: آرام حرکت کنید.

سبک سنگین کردن: سنجیدن.

نکته‌ها

الف) در این تمرین، به اصل تخفیف اشاره شده است که کاربرد آن بیشتر در نظم است.

ب) توضیحی است در مورد نوشته‌های ناتمام و علامت آن (...).

گفت و شنود

- ۱- نباید زیاد صحبت کرد. در امر طبابت نیز نباید دخالت کرد.
- ۲- پاسخ به عهده‌ی دانش‌آموزان است.

فعالیت‌های ویژه

- ۱- دانش‌آموزان داستان ناشنوا و بیمار را به صورت نمایش در کلاس اجرا کنند.
- ۲- یکی از داستان‌های مثنوی توسط دانش‌آموزان در کلاس خوانده شود.

با هم بخوانیم

محمود کیانوش - ر.ک به درس چهارم

ب) بنویسیم

۱. مراد از تلخیص، که در این تمرین خواسته شده، یکی تمرین مهارت خواندن و دیگری تقویت مهارت نوشتن (املانویسی) و نیز تقویت مهارت خلاصه‌نویسی است. پاسخ این تمرین به تشخیص فردی دانش‌آموزان بستگی دارد.

۲. توصیه = سفارش

مطمئن = آسوده خاطر

معاشرت = هم‌نشینی کردن

عیادت = دیدار بیمار

۳. پاسخ‌ها عبارتند از:

- دیوار موش داره، موش هم گوش داره

- کوه به کوه نمی‌رسد، آدم به آدم می‌رسد

- آشین که دو تا شد آش یا شور می‌شود یا بی‌نمک.

۴. پاسخ‌ها عبارتند از:

توصیه : سفارش

معاشرت : هم‌نشینی کردن

وسیع : پهناور

مطمئن : اطمینان

عیادت : دیدار بیمار

عصبانی : خشمگین

۵. جمله‌سازی است و پاسخ‌ها شخصی می‌باشد.

۶. در تصویرخوانی‌ها نیز پاسخ‌ها فردی است.

۷. شکل کامل کلمه‌ها عبارتست از:

ناگاه، راه، ماه، دیگر، اگر، افتاد

جمله‌ها شخصی ساخته می‌شوند.

۸. گلستان : سعدی

بوستان : سعدی

مثنوی و معنوی : مولوی

شاهنامه : فردوسی

انشای هفته

این فعالیت می‌تواند به صورت فردی یا گروهی انجام شود. در این تمرین به تقویت توانایی تبدیل نظم به نثر توجه شده است. یکی از تمرینات مؤثر در نویسندگی برگردان نظم به نثر است. این کار ذهن و دست دانش‌آموزان را برای نوشتن به زبان فارسی معیار روان می‌کند و بر میزان درک آن‌ها از مفاهیم شعری می‌افزاید. برای برگرداندن نظم به نثر باید:

۱- شعر را خوب بخوانید و مفاهیم و معانی آن را بفهمید.

۲- از شرح، تفصیل و بیان مطالب اضافی پرهیز کنید.

۳- به جای کلمات دشوار، کلمات ساده و امروزی را قرار دهید.

۴- تا حد امکان از زیبایی‌ها و آرایه‌های شعر در متن برگردان شده، استفاده کنید.

۵- در برخی از ابیات، کافی است ارکان جمله را جابه‌جا کنید.

۶- کلمه یا کلمه‌هایی را که به ضرورت شعری حذف شده است، بیابید و در نثر خود به کار

گیرید.

عنوان درس: مثل‌ها	درس: بیست و دوم
	<p style="text-align: center;">اهداف درس</p> <p>۱. آشنایی با کاربرد ضرب‌المثل‌ها. ۲. آشنایی با ریشه‌ی ضرب‌المثل‌ها. ۳. آشنایی با معانی ضرب‌المثل‌ها. ۴. آشنایی با داستان ضرب‌المثل‌ها. ۵. آشنایی با نکات زبانی (کاربرد ضرب‌المثل‌ها، حذف، کاربرد دوگانه‌ی بعضی از کلمه‌ها). ۶. توانایی انجام فعالیت‌های مربوط به مهارت‌های زبانی درس.</p>

شاعر	شعر	نمایش	بازی	نکته	کلید واژه‌ها
-	-	نمایش یکی از ضرب‌المثل‌ها	-	حذف، کاربرد دوگانه‌ی بعضی از کلمات	انوشیروان - فرتوت - بیهوده - ثمر - حاصل - معین - مطلب - ضرب‌المثل - دل‌چسب - ذهن - مقصود - مؤثرتر - طولانی - عاقل - بحث - بعضی - آثار شاعران - متفاوتی - مناطق - تعدادی - دو قورت - اصرار - دعوت - بلعید - تعجب - روزانه‌ام

فعالیت‌های کتاب بنویسیم	فعالیت‌های کتاب بخوانیم
<ul style="list-style-type: none"> - تقویت املا. - کاربرد کلمات مخفف. - داستان نویسی. - جمله‌سازی. - کاربرد مخالف‌ها. - نامه‌نگاری. - کاربرد ضرب‌المثل‌ها در نوشته. 	<ul style="list-style-type: none"> واژه‌آموزی: معانی ضرب‌المثل‌ها. نکته‌ها: کاربرد حذف کلمه، کاربرد دوگانه‌ی بعضی کلمات. گفت و شنود: بحث و گفت‌وگو درباره‌ی ضرب‌المثل‌های محلی. فعالیت‌های ویژه: - خواندن کتابی که ضرب‌المثل دارد. - اجرای یکی از ضرب‌المثل‌ها به صورت نمایش.

الف) بخوانیم

متن درس

این درس درباره‌ی ضرب‌المثل‌ها و اهمیت آن است. برای اطلاعات بیشتر، بخشی از مدخل «ضرب‌المثل» از فرهنگ‌نامه‌ی ادبی فارسی را با هم می‌خوانیم:

ضرب‌المثل (Zar.bol.ma.sal) / مثل سایر، سخنانی کوتاه به نثر یا نظم که بیانگر مفاهیم اخلاقی، اجتماعی، اندرز و دستورهای زندگی است. ضرب‌المثل که با نام‌های مثل سایر، داستان‌زد و زبان‌زد نیز خوانده می‌شود، ساختاری محکم و روان، معنایی کنایی و کاربردی عام دارد؛ بخشی از فرهنگ مردم است که سینه‌به‌سینه از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته است. در اهمیت آن گفته‌اند وجود بیشترِ مثل در هر ملتی، نشانه‌ی خردمندی عامه‌ی آن ملت است. هر زبانی که بتواند به گونه‌ای فشرده، روشن، روان و با ترکیبی زیبا رساننده‌ی پیام باشد، توانمندی خود و حکمت و ذوق مردمش را بیان می‌کند. انسان در فرآیند زندگی به تجربه و شناختی می‌رسد که در باور، کردار و گفتار روزانه‌اش تجلی می‌یابد؛ بدین گونه، برخی گفتارها در ساختاری ویژه - که ضرب‌المثل است - بازتاب می‌یابند. ایرانیان از روزگاری دیرین در حکمت و مثل پرآوازه بوده‌اند؛ آنچه از روزگار ساسانیان و پادشاهان آن مانده، به گونه‌ی حکمت و مثل است. ضرب‌المثل از چشمه‌ی گفتار و ادبیات شفاهی می‌جوشد، در ادبیات نوشتاری جاری می‌شود و در شعر با نام ارسال مثل نمود می‌یابد. ضرب‌المثل گاهی بیانگر روی‌دادهای تاریخی و پیشامدهای اجتماعی است؛ از ورای آن می‌توان به زمینه‌ها و ریشه‌های موضوعی دست یافت. گاهی بازتاب اندیشه و موضوعی گسترده، در عبارتی کوتاه آسان‌تر و امکان‌پذیرتر از مقاله‌ای بلند و مستدل جاگیر می‌شود و هدف‌گوبنده را تحقق می‌دهد. گذشته از پیشینه‌ی بازتاب ضرب‌المثل در نظم و نثر گویندگان فارسی، همچون رودکی، اسدی توسی، فردوسی، بیهقی، نظامی، سعدی، مولوی، حافظ، صائب و بسیاری از شاعران و نویسندگان دیگر، که آثارشان گنجینه‌ی ضرب‌المثل است، نخستین کسی که به گردآوری ضرب‌المثل‌های فارسی پرداخت، محمدعلی حبله‌رودی (سده‌ی یازدهم هجری) است.

از مهم‌ترین کتاب‌های ضرب‌المثل در فارسی امثال و حکم دهخدا است که در چهار جلد حاوی ۳۰ هزار مثل و حکمت است. اکنون چند نمونه از امثال و حکم فارسی را با هم می‌خوانیم:

امثال و حکم

با خُدا باش؛ خُدا با توست	حساب خود نه کم گیر و نه افزون
*	*
پُل بر دریا نتوان بست	بدی یک روز پیش آید بدان را
*	*
اَوّل فکر، آنگه عمل	به است از روی نیکو خوی نیکو
*	*
بُزرگی به عقل است، نه به سال	شتر در خواب بیند پنبه دانه
*	*
جایی که راز گویند، گوش مدارید	زمینِ شوره سُنبل بر نیارد
*	*
عاقبتِ بدگویی دشمنی است	غمِ فردا نشاید خوردن امروز
*	*
در گذر تا از تو درگذرند	نیارد شاخِ بد جز تخمِ بد بار
*	*
سُخن، گواهِ حالِ گوینده است	چو دخلت نیست خرج آهسته تر کن
*	*
حرفِ مرد زینتِ مرد است	ز صد انگشت ناید کارِ یک سر
*	*
سرّ جوانِ مردی، راستی است	ز دانش زنده مانی جاودانی
*	*
تا دمِ باقی است اُمیدِ باقی است	چو نامِ سگ بری چوبی به دست آر
*	*
خُدا از پدر و مادر مهربان تر است	ز آب خُرْد ماهی خُرْد خیزد
*	*
آتش اگر اندک است، حقیر نباید شمرد	بزرگی بایدت دل در سخا بند
*	*
آنچه نباید، دل بستگی را نشاید	چو میوه سیر خوردی، شاخ مشکن
*	*

پند و امثال

با دوستان بساز بر دشمنان بتاز	ز یزدان بترس و مکنُ بد به کس
*	*
از سخنِ راست زبان کس نکرد	چونیکی کُنی نیکی آید بَرَت
*	*
برِ سفلگان تا توانی مگرد	تو خاکی چو آتش مشو تُند و تیز
*	*
ستم بر ستمکار آید پدید	مجوی آشتی در گه کارزار
*	*
نکند هیچ نیک هرگز بد	از امروز کاری به فردا ممان ^۱
*	*
پس از دشواری آسانی است ناچار	بباید که کوشی به عدل و به داد
*	*
پشیمان شود مرد بیهوده کوش	ز رادی ^۲ فزونی و هم بهتری است
*	*
پشیمانی بود در هرزه گردی	به نابرداران ^۳ ، ببايد گریست
*	*
تا ریشه در آب است، امید ثمری هست	روا نیست برگشتن از کارزار ^۴
*	*
تا صلح توان کرد در جنگ مکوب	بداد و دِهش کوش و هُشیار باش
*	*
تا ندانی که سخن همین صواب است مگوی	ستاره فراوان و ایزد یکی است
*	*
تن فتنه انگیز در گور به	به نرمی بر آید ز سوراخ، مار
*	*
	اگر یک دلی کام حاصل کنی

۰۴. یعنی فرار از جنگ نیکو نیست

۰۳. به مردم بی صبر

۰۲. جوان مردی

درک و دریافت

۱. زیرا تحت تأثیر دوراندیشی و حاضر جوابی او قرار گرفت.
۲. یعنی ممکن است کسی از سن و سال کمی برخوردار باشد؛ اما اگر از عقل و دانایی خود به خوبی بهره بگیرد، می‌تواند چون بزرگان عمل کند.
۳. استخاره وقتی انجام می‌شود که شک و دو دلی در کار باشد. وقتی کار خوب است، نیاز به استخاره نیست و باید آن را انجام داد.

واژه‌آموزی

- خداوند پاکیزگی را دوست دارد؛ یعنی خداوند پاکیزه است.
- دانایی، توانایی است؛ یعنی هرکس که داناتر است، تواناتر است.
- بالاتر از سیاهی رنگی نیست؛ یعنی از این بدتر نمی‌شود.
- سرخی تو از من، زردی من از تو؛ یعنی سلامت تو برای من و بیماری و زردروی من برای تو.

(رنگ سرخ نشانه‌ی گرمی و شادابی زندگی است و زردی نشانه‌ی بیماری. پس تازگی و شادابی خودت را به من ببخش و بیماری و خستگی مرا بگیر.)

نکته‌ها

الف) در این تمرین، اصل تخفیف برای جلوگیری از تکرار یک کلمه، مورد توجه است. در تمرین‌های داده شده، در جمله‌ی اول کلمه‌ی «است» و در جمله‌ی دوم کلمه‌ی «بروید» برای جلوگیری از تکرار حذف شده است.

ب) شکل دوم کلمه‌های داده شده عبارت است از:

جاودان	جارو
بادمجان	خورش

گفت و شنود

۱. در این تمرین، به گسترش فرهنگ بومی و محلی توجه شده است و پاسخ آن، باید گروهی و منطقه‌ای داده شود.
۲. زیرا گفته و نوشته‌ی ما شیرین‌تر و دل‌چسب‌تر می‌شود و می‌توانیم با کلامی مختصر،

مفهومی گسترده را انتقال دهیم. ضرب‌المثل‌ها در عین موجز بودن و کوتاهی، مفاهیم وسیعی را به شنونده انتقال می‌دهند.

ب) بنویسیم

۱. این کتاب که نیاز به بازخوانی درس دارد، به منظور تقویت مهارت خواندن و نوشتن دانش‌آموزان طراحی شده است. ضرب‌المثل‌ها عبارت‌اند از:

- دیگران کاشتند، ما خوردیم ما بکاریم، دیگران بخورند.
- بزرگی به عقل است، نه به سال.
- چرا عاقل کند کاری که باز آرد پشیمانی؟
- عالم بی‌عمل به چه ماند؟ به زنبور بی‌عسل
- آشپز که دو تا شد، آش یا شور می‌شود یا بی‌نمک.
- ادب از که آموختی؟ از بی‌ادبان
- در نومیدی بسی امید است پایان شب سیه سپید است.
- توانا بود هر که دانا بود.
- هنوز دو قورت و نیمش باقی است.

۲. جمله‌سازی‌ها باید به صورت شخصی انجام شود؛ ولی کلمات مخفف درس عبارت‌اند از:
آرد، بسی، سیه

۳. نگارش خلاق است و هر دانش‌آموز باید به طور فردی پاسخ بدهد.

۴. لنگه کفش در بیابان نعمت است.

● نابرده رنج، گنج میسر نمی‌شود.

● به هر کجا که روی، آسمان همین رنگ است.

● شتر در خواب بیند پنبه‌دانه گهی لپ‌لپ خورد گه دانه دانه

۵. هدف از این تمرین، گسترش فرهنگ بومی و محلی هر منطقه، حفظ گویش‌های رایج محلی

در مناطق گوناگون و آشنایی با نماد نوشتاری واژه‌های محلی است.

۶. تمرین جمله‌سازی و پاسخ‌ها فردی است.

۷. پاسخ‌ها عبارت‌اند از:

شادمان، خوش حال	کوتاه
برخوردار، بهره‌مند	دوستان
آشنا	توانا

۸. این تمرین مهارت نامه‌نگاری به همراه ضرب‌المثل را تقویت می‌کند.

منابع و مأخذ

۱. آیین نگارش، احمد سمیعی، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ سوم سال ۱۳۶۹.
۲. انواع ادبی سیروس شمسیا، نشر فردوس، چاپ دوم سال ۱۳۷۳.
۳. ادبیات کودکان و نوجوانان، فریدون اکبری شلدره‌ای، قاسم‌پور، یارویی، انتشارات آیندگان، چاپ دوم، تهران سال ۱۳۸۶.
۴. بدعت‌ها و بدایع، مهدی اخوان ثالث.
۵. با گهرهای فراوان (زندگی‌نامه شاعران و نویسندگان)، دکتر محمدرضا سنگری، فریدون اکبری شلدره‌ای، فاطمه صغری علیزاده، انتشارات راه اندیشه، سال ۱۳۸۶.
۶. راهنمای برنامه‌ی درسی دوره‌ی ابتدایی، بازنگری، ویراست جدید سال ۱۳۸۶.
۷. زبان و مهارت‌های زبان، جیمز فلادویتر، ۱ ج سالوس، ترجمه‌ی علی آخشینی، آستان قدس، سال ۱۳۶۹.
۸. قصه‌گویی و نمایش خلاق نوشته چمبرز، ترجمه‌ی ثریا قزل‌ایاق، نشر دانشگاهی، سال ۱۳۷۸.
۹. دستور زبان و ادبیات به زبان ساده، دکتر سیدبهنام علوی مقدم، صلاحی، انتشارات ایشیق، ۱۳۸۵.
۱۰. مهارت‌های آموزش و پرورش، روش‌ها و فنون تدریس، حسن شعبانی، انتشارات سمت، سال ۱۳۸۰.
۱۱. شعر و کودکی، قیصر امین‌پور، انتشارات نیلوفر، تهران، چاپ اول، سال ۱۳۸۵.
۱۲. رشد عقلانی کودک از دیدگاه پیاژه، جینزبرگ و سیلویا، ترجمه‌ی فریدون حقیقی و فریده شریفی، انتشارات فاطمی، تهران، چاپ اول، سال ۱۳۷۱.

